

تأثیر سازمان ملل متحد در توسعه جایگاه حقوقی بین‌المللی سازمان‌های غیردولتی

حسن صالح مجد*

سید قاسم زمانی**

مسعود علیزاده***

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۲/۲۱

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۷/۰۸

چکیده

دولت‌ها همچنان به عنوان تابع اصلی حقوق بین‌الملل در حوزه هنجارسازی و تبعیت از قواعد حقوقی بین‌المللی، جایگاه اصلی و منحصر به فرد دارند. متعاقب تشکیل و گسترش سازمان‌های بین‌المللی، بازیگران غیردولتی و به‌ویژه سازمان‌های غیردولتی به دلیل نیازهای تخصصی، سهم بیشتری از نقش‌آفرینی را نصیب خود کرده‌اند. تصویب ماده ۷۱ منشور ملل متحد، امکان مشورت ارکان سازمان ملل متحد با سازمان‌های غیردولتی پیشرو را فراهم نمود. سازمان ملل متحد با دو رویکرد قاعده‌مند کردن و بهره‌برداری تخصصی از این بازیگران، نقش بالایی در رشد و توسعه رسمی این بازیگران داشته است. مجمع عمومی و شورای امنیت فراتر از اسناد ملل متحد که مشورت با سازمان‌های غیردولتی را مختص اکوسوک می‌دانند، از مشورت این سازمان‌ها بهره می‌برند. نهادهای پیشرو و برجسته بین‌المللی، مانند شورای اروپا و سازمان کشورهای آمریکایی، با اعطای وضعیت مشارکتی، فراتر از وضعیت مشورتی، کارایی و تأثیر این بازیگران را ارتقا داده و برای آنها حق رأی و حق داشتن نماینده هم‌تراز در مجامع خود را پیش‌بینی نموده‌اند. سازوکار تعامل اکوسوک با سازمان‌های غیردولتی، بالندگی سازمان‌های غیردولتی غیرمستقل و طرفدار دولت را در پی داشته است. بازنگری و تطبیق این سازوکار با اقتضات کنونی جامعه مدنی جهانی ضرورت دارد. ۵۵ سازمان غیردولتی از جمهوری اسلامی ایران دارای مقام مشورتی نزد اکوسوک می‌باشند. ۲۱۹ سازمان غیردولتی با مقر اصلی خارجی در ایران فعالیت دارند.

کلیدواژگان:

اکوسوک، سازمان ملل متحد، کمیته سازمان‌های غیردولتی، وضعیت مشورتی، وضعیت مشارکتی.

* دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل عمومی، دانشگاه پیام نور (نویسنده مسئول)
hassan.salehmad@gmail.com

** استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی
zamani@atu.ac.ir

*** استادیار حقوق بین‌الملل دانشگاه پیام نور، سمنان مرکز گرمسار.
massoud.alizadeh1@gmail.com

مقدمه

هرچند دولت‌ها همچنان در قامت تابع اولیه و اصلی حقوق بین‌الملل در عرصه‌های مختلف هنجارسازی و تبعیت از قواعد و اصول حقوق بین‌الملل خودنمایی می‌کنند، ظهور کنشگران غیردولتی در عرصه بین‌المللی نیز منشأ تحولاتی جدی در سطوح مختلف حقوق بین‌الملل شده است.^۱ زمزمهٔ اطلاق تابع^۲ حقوق بین‌الملل به سازمان‌های غیردولتی از نیمهٔ دوم قرن بیستم با ظهور دانشمندانی همچون مک دوگال آغاز شد و در ابتدای قرن حاضر به اوج خود رسید. اشخاص در سطح بین‌الملل، به تدریج حیطة حقوق دولت را تنگ‌تر می‌کنند. دولت حقوق و مشروعیت خود را از وکالت برای ملت و سازمان‌های غیردولتی حقوق و مشروعیت خود را از ایفای وکالت برای اشخاص اخذ می‌نمایند. بیش از صد سال از حضور مکرر سازمان‌های غیردولتی در رویدادهای جهانی می‌گذرد. تعیین وضعیت حقوقی این سازمان‌ها همواره مورد توجه حقوق‌دانان بوده است. اولین پیش‌نویس برای تعیین وضعیت حقوقی آنها در سال ۱۹۱۲ تهیه و ارائه شد^۳ فعالیت این بازیگران با تشکیل سازمان ملل متحد و تصویب مادهٔ ۷۱ منشور و اعطای مقام مشورتی وارد مرحلهٔ جدیدی شد. قطعنامهٔ ۱۲۹۶ با هدف تنظیم ترتیبات مشورتی حاکم بر مشارکت سازمان‌های غیردولتی در اجلاس‌های بین‌المللی در سال ۱۹۶۸ تصویب شد. با رشد فزایندهٔ همکاری سازمان‌های غیردولتی با سازمان ملل متحد در دههٔ ۹۰، روزآمد نمودن قطعنامه ۱۲۹۶ ضرورت یافت. آخرین قطعنامه در راستای روزآمد نمودن ترتیبات مشورتی در سال ۱۹۹۶

۱. زمانی، سید قاسم، **ماهیت حقوقی داعش در حقوق بین‌الملل: دولت یا بازیگر غیردولتی**، فصلنامه دولت‌پژوهی، سال اول، شماره ۱، ۱۳۹۴، ص ۱.

۲. اینکه سازمان‌های غیردولتی تابع حقوق بین‌الملل هستند یا خیر، یکی از مباحث کانونی طی دو دهه اخیر در بین حقوق‌دانان بوده است. طرفداران سنتی نظام دولت محور که برای دولت قداست و اصالت قائل‌اند، با تکیه بر نقش اساسی دولت در تأمین امنیت بین‌المللی، مخالف پذیرش این نهادها به عنوان تابع حقوق بین‌الملل هستند. طرفداران اصالت فرد که شکوفایی دنیای مدرن را در تقویت جامعهٔ مدنی جهانی می‌دانند، بر این باورند که مردم خواسته یا ناخواسته با رویکردی اصلاحی به عنوان رقیب دولت در توسعه مطرح می‌شوند. آینده جهان به طور روزافزون در حیطة نفوذ نمایندگان اصیل و کارگزاران متخصص مردم یعنی سازمان‌های غیردولتی قرار می‌گیرد. برای مطالعه بیشتر نک:

Szazi Eduardo (2012), **Ngos: Legitimate Subjects Of International Law**, Leiden University Press, The Netherlands, available at:

<https://openaccess.leidenuniv.nl/bitstream/handle/1887/27376/file467795.pdf?sequence=1>.

3. Haral Ben-Ari, Rephael(2013), **The Legal Status of International Non Governmental Organizations: analysis of past and present initiatives (1912-2012)**", Netherlands, p 7.

در شورای اقتصادی اجتماعی تصویب گردید. سازمان‌های غیردولتی تجلی همیشگی ارادهٔ مردمان جهان در خارج از چارچوب‌های دولتی می‌باشند. امروزه اهمیت و نفوذ آنها در جامعهٔ بین‌المللی تا آنجا پیش رفته است که به عنوان اصلی‌ترین عنصر تشکیل‌دهندهٔ جامعهٔ جهانی درآمده‌اند.^۱ توجه به کارکردها، جایگاه حقوقی سازمان‌های غیردولتی در سازمان ملل متحد و تأثیر سازمان ملل متحد در رشد و پویایی این نهادها نه فقط به این دلیل است که سازمان ملل متحد و نهادهای وابسته به آن به طور گسترده با سازمان‌های غیردولتی سرو کار دارند، بلکه بیشتر به دلیل آن است که روش و رویهٔ سازمان ملل تأثیر اساسی بر سایر سازمان‌های بین‌المللی دارد. این رهیافت نتایج درخشانی به بار می‌آورد. برای مثال می‌توان گفت که نه اتحادیه‌های تجاری و نه سازمان‌های مذهبی خود را سازمان غیردولتی نمی‌دانند، اما آنها تنها در صورتی می‌توانند در سازمان ملل متحد مشارکت نمایند که خود را به عنوان سازمان غیردولتی ثبت نمایند.^۲ اگرچه ابعاد شخصیت حقوقی و فعالیت‌های این سازمان‌ها هنوز به طور کامل شفاف نگردیده است، کارایی آنها کاملاً مشهود است و توانمندی‌های آنان مورد استفاده و بهره‌برداری دولت‌ها قرار می‌گیرد. شماری از پروژه‌ها و برنامه‌های سازمان ملل از مساعدت سازمان‌های غیردولتی در بخش‌های متعددی مانند جمع‌آوری و انتشار اطلاعات، اجرای سیاست‌ها، نظارت و ارزیابی، هنجارسازی و توسعهٔ سیاسی بهره‌مند شده‌اند. نیاز به یک سیستم حیات‌بخش برای تحقق دو هدف به صورت هم‌زمان ضرورت دارد؛ سیستمی که بتواند نقش سازمان‌های غیردولتی را توسعه داده، در عین حال قادر باشد روند مشارکت این بازیگران را به نحو مطلوب و دائمی تعریف نماید.^۳ این تحقیق درصدد است دربارهٔ آخرین گزارش‌ها در زمینهٔ عملکرد سازمان ملل متحد در خصوص سازمان‌های غیردولتی کنکاش کرده، جهات مثبت و منفی این رابطه را بررسی و تأثیر سازمان ملل متحد در توسعهٔ جایگاه سازمان‌های غیردولتی را ارزیابی نماید. در این راستا، ابتدا سازوکار ملل

۱. بیگزاده، ابراهیم، *حقوق سازمان‌های بین‌المللی*، تهران: نشر مجد، چاپ سوم، ۱۳۹۴، صص ۸۸-۸۷.

2. Baylis [John](#), Smith [Steve](#) & Owens [Patricia](#) (2008), *The Globalization of World Politics*, Oxford University Press, p 3.

3. Gemmill, Barbara and Bamidele-Izu, Abimbola (2007), "The Role of NGOs and Civil Society in Global Environmental Governance", *Journal of global environmental governance*, p 46.

متحد در زمینه همکاری با سازمان‌های غیردولتی بررسی و سپس تأثیر همکاری‌ها بر کارکردهای مهم بین‌المللی سازمان‌های غیردولتی مطرح و در آخر نتیجه تحقیق ارائه می‌شود.

۱. سازوکار ملل متحد برای تعامل با سازمان‌های غیردولتی

تعامل با سازمان‌های بین‌المللی، به‌ویژه سازمان ملل، رکن اصلی فعالیت سازمان‌های غیردولتی در سطح بین‌المللی را تشکیل می‌دهد. برای سازمان‌های غیردولتی این موضوع بسیار حائز اهمیت است که بتوانند فعالیت‌های خود را به فراتر از مرزها کشانده، مطالبات خود را در سطح فراملی طرح نمایند. هویت و اعمال سازمان‌های غیردولتی اغلب در سایه سیاست‌ها و اهداف سازمان‌های بین‌المللی به هنگام تأثیرگذاری بر روندهای بین‌دولتی نمایان می‌شود؛ همان‌گونه که در نقطه مقابل، برای سازمان‌های بین‌المللی همواره توجه به سازمان‌های غیردولتی به عنوان یک متحد استراتژیک در راستای تضمین موفقیت آنها در سیاست‌ها و برنامه‌ها اهمیت روزافزون دارد. روند ناظر بر مدیریت منافع بین دو نهاد بین‌المللی موجب توسعه اشکال همکاری بین آن دو، در طول حیات جامعه ملل گردید.^۱ در پی تصویب ماده ۷۱ منشور سازمان ملل متحد، تعداد روزافزونی از سازمان‌های بین‌المللی ترتیبات جدیدی را برای ایجاد ارتباط با سازمان‌های غیردولتی تصویب نمودند. این ارتباطات تابع شرایطی خاص و همراه با اعطای اعتبارنامه بود. سازمان‌های غیردولتی به تدریج به مجموعه‌ای از امتیازات دست یافتند که رسماً حوزه عملکرد آنها را ترسیم می‌نمود. کمیته سازمان‌های غیردولتی ملل متحد همه‌ساله، مدل‌های موفق از پروژه‌های جاری توسط جامعه مدنی را معرفی می‌کند. نتایج تحقیقات پیرامون تعداد زیادی از این پروژه‌ها در درگاه سازمان ملل قابل دسترسی است. تحقیقات نشان می‌دهد که چهار فاکتور، یعنی حضور عمومی مردم، فناوری روزآمد، تحصیلات (آگاهی عمومی و آموزش) و مشارکت به صورت مشترک در همه پروژه‌ها وجود دارد.^۱ این روند به تدریج شالوده جایگاه حقوقی سازمان‌های غیردولتی در سطح بین‌المللی را

1. Willetts, Peter (1996), *The Conscience of the World – The Influence of Non-Governmental Organisations in the UN System*, London.

1. Bonseok Koo, Bryan (2011), *Successful Models of Non-Governmental Organizations in Consultative Status: Best Practices on Climate Change*, The DESA NGO Branch, UN, New York, p 4.

پیریزی نمود. پرسش اساسی این است که آیا جایگاه مشورتی چارچوب کافی و قابل اتکایی برای همکاری سازمان‌های بین‌المللی با سازمان‌های غیردولتی فراهم می‌نماید. روابط جاری بر تعهدات متقابلی استوار است که بیان‌کننده مسئولیت‌های مربوطه و جزئیات مقرراتی فعالیت‌هایی است که از سوی سازمان‌های غیردولتی مجاز شناخته می‌شود. بنابراین، تعجیبی ندارد که همکاری‌های اجرایی خارج از چارچوب وضعیت مشورتی و از طریق موافقت‌نامه‌های اجرایی یا در سطحی پایین‌تر و از طریق پذیرش قوانین داخلی سازمان‌های غیردولتی که توسط خود آنها توسعه یافته است، تنظیم گردد.^۱ خلأهای موجود در تعریف حقوقی، پیرامون نحوه ارتباط بین سازمان‌های بین‌المللی و سازمان‌های غیردولتی موجب شد تا این روابط با خلاقیت و پویایی راه خود را پیدا کند. دو مناظره به صورت جدی همواره مطرح می‌گردد: آیا باید رژیم جدیدی برای روشن نمودن این رابطه تعریف شود، یا اینکه کماکان آن را به خود واگذاریم تا به حیات و شکل‌گیری خود ادامه دهد. تعامل سازمان ملل با سازمان‌های غیردولتی از اسناد و مبانی ذیل نشأت می‌گیرد.

۱.۱. ماده ۷۱ منشور و وضعیت مشورتی

بهره‌برداری از مشورت سازمان‌های غیردولتی از سوی جامعه ملل تأسیس شد. اما از سال ۱۹۲۳ و بعد از انجام اصلاحات در اسناد جامعه ملل جنبه غیررسمی پیدا کرد. یکی از دستاوردهای بخش غیردولتی در کنفرانس سانفرانسیسکو، حمایت گسترده برای تقویت نقش سازمان ملل متحد با تصویب مقرراتی برای ایجاد رابطه بین اکوسوک و سازمان‌های غیردولتی بود. هدف این بود که از این طریق سازمان‌های ملی و بین‌المللی با صغۀ غیردولتی بتوانند کانال ارتباطی منظمی با سازمان ملل داشته باشند. با تصویب ماده ۷۱، اصطلاح جدیدی به نام سازمان‌های غیردولتی ابداع شد. اما این اصطلاح بدون تعریف باقی ماند. از سال ۱۹۴۵، سازمان‌های بین‌المللی خصوصی خود را سازمان غیردولتی نامیدند. تا دهه ۱۹۷۰ این اصطلاح منحصرأ در حوزه دیپلماسی مورد استفاده

1. 22. Lindblom Anna-Karin (2005), *Non Governmental Organizations in International Law*, Cambridge University Press, p 28.

قرار می‌گرفت. در این دهه، این اصطلاح پا را فراتر نهاد و در حوزه‌های عمومی و مناظرات عام مورد استناد قرار گرفت. در واقع می‌توان گفت که صرفاً همین یک ماده از منشور (ماده ۷۱) سنگ‌بنای عمارت و تأثیرات شگرف سازمان‌های غیردولتی در مقررات‌گذاری جهانی را بنا نهاد. در سال ۱۹۴۶، اکوسوک با صدور قطعنامه‌ای ترتیبات وضعیت مشورتی را معین نمود. مدل ارائه‌شده از سوی اکوسوک از همان زمان مورد استفاده سایر سازمان‌های بین‌المللی قرار گرفت. نظام حاکم بر سازمان‌های بین‌المللی، نقش سازمان‌های غیردولتی در روندهای بین‌الدولی را تقویت و به آنها پوشش حقوقی اعطا نمود. اما این ارتباط محدود به اعتبارنامه اعطایی گردید. بر این اساس، نقش جامعه مدنی صرفاً مشورتی است. این عبارت تعمداً به این دلیل انتخاب شده است تا سازمان‌های غیردولتی را از فرایند تصمیم‌گیری حذف نمایند. سازمان‌های غیردولتی می‌توانند در جلسات شرکت و با اعمال محدودیت‌هایی اقدام به انتشار بیانیه کنند. در اجلاس‌ها سخنرانی کنند و دستورکار جلسات مهم را پیشنهاد دهند. اما به خوبی آشکار است که وضعیت آنها حتی با کشورهای عضو سازمان ملل که فاقد کرسی در اکوسوک هستند، یکسان نیست. این قبیل کشورها از حق مشارکت در اکوسوک بدون داشتن حق رأی بهره‌مند می‌باشند. مکانیزم اعتبارنامه به عنوان یک فیلتر سیاسی قلمداد می‌شود. این روند در ابتدا به صورت باز تعریف شد، اما معمولاً کافی است که در ب‌های هر اجلاسی بنا به ضرورت سیاسی بسته شود تا اعتبار آن مخدوش گردد.

۱.۲. قطعنامه ۱۹۹۶/۳۱ ناظر بر فعالیت کمیته سازمان‌های غیردولتی

شورای اقتصادی اجتماعی این قطعنامه را به منظور روزآمد کردن قطعنامه ۱۲۹۶ مورخ ۲۳ می ۱۹۶۸ در زمینه ترتیبات مشورتی با سازمان‌های غیردولتی و همچنین ایجاد انسجام در مقررات حاکم بر مشارکت سازمان‌های غیردولتی در اجلاس‌های بین‌المللی که از سوی ملل متحد برگزار می‌شوند و نیز بررسی شیوه‌ها و ابزارهای بهبود ترتیبات

عملی برای کار کمیته سازمان‌های غیردولتی و بخش سازمان‌های غیردولتی دبیرخانه در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی تصویب نمود.^۱

قطعه‌نامه مشتمل بر مقدمه و هفتاد ماده است. ماده‌های ۲ و ۱۵ آن کانون اصلی انتقادات جامعه مدنی و موجب بسیاری از ناکامی‌ها در رشد جامعه مدنی شده است. آنجا که تطبیق هدف سازمان غیردولتی با اهداف ملل متحد بر عهده کشورهای عضو کمیته قرار می‌گیرد یا آنکه تفسیر معیارها و ضوابط ناظر بر ترتیبات مشورتی بر عهده کمیته گذاشته شده است. در بسیاری از موارد، فشار سیاسی برخی از کشورهای عضو کمیته، روندها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بررسی هفده مورد عدم پذیرش مقام مشورتی طی سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۵ نشان می‌دهد که متأسفانه بیشترین سهم از مناقشات مربوط به اعطای مقام مشورتی به سازمان‌های مدافع حقوق LGBT^۲ (هم‌جنس‌گرایان مرد و زن، دوجنسیتی‌ها و تغییرجنسیتی‌ها) بوده است.^۳ در سال‌های اخیر، درخواست سازمان‌های غیردولتی برای دریافت وضعیت مشورتی به تعداد قابل توجهی رسیده است. بررسی‌ها حاکی از فاصله زیاد بین تعداد درخواست‌ها برای کسب مقام مشورتی و درخواست‌های معوقه است. درخواست‌های معوقه به شدت سیاسی شده است. گزارش عملکرد کمیته سازمان‌های غیردولتی از سال ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۶ نشان می‌دهد که از تعداد یک مورد درخواست معوقه در سال ۲۰۰۸ تعداد آنها به تدریج طی سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۶ به ترتیب به ۱، ۴، ۳، ۵، ۱۰، ۱۷، ۳۱ و ۱۵۹ مورد افزایش پیدا کرده است.^۴ مؤسسات دولتی با وجود نقش سازمان‌های غیردولتی در تصمیم‌سازی، از هر تلاشی برای اعطای شناسایی رسمی به سازمان‌های غیردولتی دریغ می‌نمایند. افزون بر اینکه وضعیت مشورتی دیگر قادر نیست تا ابزار مؤثری برای تعریف و کنترل مشارکت سازمان‌های غیردولتی در اختیار سازمان‌های بین‌المللی قرار دهد. ترتیبات موجود، ابعاد

1. UN.DUC 1996/31.

2. Lesbian, Gay, Bisexual and Transgender.

3. [Vromen](#) Simone (2017), "The Council Committee on NGOs: An analysis of the reports of the Council Committee on NGOs between 2005 and 2015" *Journal of Utrecht Law Review*, Vol. 13, No. 1, Netherlands, p 10.

4. Symanck, Rouven (2017), "A Global Crackdown on Civil Society: Assessing the accreditation Practice of the United Nations Committee on NGOs", The DESA NGO Branch, UN, New York, p 22.

جدید فعالیت‌های سازمان‌های غیردولتی را پوشش نمی‌دهد. از این رو، وضعیت مشورتی به منظور تسهیل مشارکت سازمان‌های غیردولتی ناکام مانده و روش‌های نو و غیررسمی در روابط بین سازمان‌های بین‌المللی و سازمان‌های غیردولتی رواج یافته است.^۱

۱.۳. تعامل غیررسمی ارکان ملل متحد با سازمان‌های غیردولتی

با اینکه در اسناد ملل متحد وضعیت مشورتی به صراحت مختص اکوسوک و بدنه آن است، شکل‌گیری نمونه کامل از ارتباط را می‌توان در همکاری سازمان‌های غیردولتی با ارگان‌های سازمان ملل غیر از اکوسوک مشاهده نمود. برخی از محققین بر این باورند که تمامی تلاش‌ها برای ایجاد رابطه رسمی با سایر نهادهای سازمان ملل شکست خورده؛ در حالی که همکاری غیررسمی با مجمع عمومی و شورای امنیت توسعه یافته است.^۲ اولین نمونه ارتباط غیررسمی در اثنای مذاکرات سال ۱۹۹۳ که با هدف آمادگی برای برگزاری کنفرانس بین‌المللی جمعیت و توسعه قاهره در سال ۱۹۹۴ شکل گرفت، کمیته دوم مجمع عمومی به طور موقت جلسه را تعلیق نمود تا حضار به سخنان کمیته برنامه‌ریزی سازمان‌های غیردولتی گوش فرا دهند. این رویه بارها بعد از آن مورد استفاده قرار گرفت. بعدها رویه جدید و گسترده‌ای در مجمع عمومی شکل گرفت. این سازمان‌ها در اجلاس ریو و اجلاس سران زمین، نقش ویژه‌ای ایفا کرده بودند. سازمان‌های غیردولتی از آن به بعد در چندین اجلاس مجمع حضور یافتند.^۳ همکاری سازمان‌های غیردولتی با شورای امنیت دارای مبنای حقوقی و رسمی است. ماده ۳۹ از مقررات اجرایی شورا به طور غیرمستقیم مشورت با سازمان‌های غیردولتی را مجاز می‌داند. این ماده مقرر می‌دارد که شورا ممکن است از اشخاص دیگری که خود صالح بدانند، به منظور آگاه نمودن شورا یا یاری رساندن در بررسی موضوعاتی که در صلاحیت شورا است، دعوت نماید. شورا فراتر از استناد به ماده ۳۹، ترجیح داد تا با نمایندگان

1. Detter Ingrid (2000), *The Law of War*, Cambridge University Press. Dupuy Pierre-Marie, Vierucci Luisa (2008), "NGOs in international law: efficiency in flexibility", UK & USA, p 26.

2. Ipid, p 27.

3. Ipid, p 28.

سازمان‌های غیردولتی منطقه دریاچه‌های بزرگ به صورت غیررسمی در یکی از اتاق‌های ساختمان مرکزی سازمان ملل ملاقات نماید.^۱

۱.۴. انواع ترتیبات غیررسمی مشورتی

در برخی موارد، ترتیبات موجود و غیررسمی به مجوزهای رسمی ترجیح داده می‌شود. مانند آن هنگام که اتحادیه آفریقایی پیشنهاد نوعی از نظارت جدید را به جامعه مدنی عرضه نمود. سازمان عفو بین‌الملل ترجیح داد که به همان رویه مشورتی غیررسمی، همکاری خود را با اتحادیه ادامه دهد؛ چراکه احتمالاً آن سازمان چنین استنباط کرده بود که روند اعطای مجوز جدید زمان‌بر است و احراز شرایط لازم برای پذیرش بیش از حد زمان‌بر خواهد بود.^۲ با وجود احترامی که به وضعیت حقوقی سازمان‌های غیردولتی گذاشته می‌شود، سازمان‌های غیردولتی وکالتی از دسترسی به هیئت‌های نمایندگی دولتی ممنوع شده‌اند. در این خصوص می‌توان به عکس‌العمل شدید برخی از سازمان‌های غیردولتی برجسته اشاره نمود.^۳ در حقیقت با وجود همه امتیازات اعطایی به جامعه مدنی، ممکن است گروهی از سازمان‌های غیردولتی، ابزار و توان لازم برای تأثیرگذاری در روندهای بین‌دولتی را نداشته باشند. در این صورت، در واقع باید تلاش اصلی متمرکز بر افزایش مهارت‌های مورد نیاز نمایندگان جامعه مدنی از کشورهای در حال توسعه شود.^۴ در همین راستا، انجمن دائمی مسائل بومی^۵ توسط اکوسوک در سال ۲۰۰۰ راه‌اندازی شد. این انجمن در واقع یک بازوی مشورتی برای اکوسوک محسوب می‌شود. ترکیب انجمن شامل ۳۲ عضو، ۱۶ نماینده که توسط شورا از بین کاندیداهای دولت‌ها انتخاب می‌شوند و ۱۶ نماینده از سازمان‌های غیردولتی بومی است. این انجمن اولین نهاد مشورتی جامعه مدنی است که توسط اکوسوک به رسمیت

1. Ipid, p 28.

2. Amnesty international handbook 2002, available at:

<https://www.amnesty.org/download/Documents/120000/org200012002en.pdf>, p 35.

3. Willetts Peter (2000), From consultative arrangements to partnership: the changing status of NGOs in diplomacy, The UN Global Governance, Vo.6, p194.

4. UN Report (2003), Survey of Civil Society: **UN and Civil Society Relationship Questionnaire on NGO Opinion- background paper for the Cardoso panel**, available at: <http://www.un-ngls.org/orf/UNreform.htm>.

5. Permanent Forum on Indigenous Issues.

شناخته شده و در آن جایگاه جامعه مدنی و دولت یکسان دیده شده است.^۱ الگویی دیگر در درون کمیسیون توسعه پایدار شکل گرفت. توافقات این کمیسیون زیربنای هماهنگی اقدام در زمینه توسعه در قرن بیست و یکم را شکل داد. در دستور کار این کمیسیون آمده است که توسعه پایدار بدون مشارکت اجتماعی محقق نخواهد شد. همچنین در این دستور کار به ضرورت توجه به حوزه‌های گوناگونی که می‌توانند مشارکت عمومی برای دستیابی به توسعه پایدار را در پی داشته باشد، به عنوان شرط لازم اشاره شده است. بالاترین میزان مشارکت سازمان‌های غیردولتی در سازمان ملل متحد در مبارزه با ایدز شکل گرفت. شش آژانس تخصصی از سازمان ملل متحد در این برنامه حضور دارند تا بتوانند اقدامات سریع را مدیریت نمایند. سازمان‌های غیردولتی در این برنامه دیگر صرفاً ناظر نیستند. بلکه آنها مجال پیدا کردند تا در روند اجرا بدون حق رأی حضور یابند. با وجود اینکه سند حقوقی مربوطه تلاش نموده تا بین نمایندگان دولت‌ها، نمایندگان آژانس‌های تخصصی و سازمان‌های غیردولتی فرق بگذارد، اسناد و گزارش‌های رسمی سازمان ملل حاکی از آن است که فرقی بین دو دسته اخیر از نظر نداشتن حق رأی وجود نداشته است.

۱.۵. رسمی‌سازی^۲ جایگاه حقوقی سازمان‌های غیردولتی یا روند خودتنظیمی^۳

مناظره بر سر این است که به جای ارتقای حقوقی جایگاه سازمان‌های غیردولتی از طریق تنظیم اسناد (رسمی‌سازی)، روند توسعه حقوقی آنها را آزاد بگذاریم تا خود به خود و مطابق با نیازها، توسعه حقوقی پیدا کنند. تشخیص مشروعیت داشتن یک سازمان غیردولتی از طریق اظهارات و عملکرد نمایندگان آنها دشوار و گمراه‌کننده است. بسیاری از سازمان‌ها در طرح خواسته‌ها از افراد ماهری استفاده می‌کنند که به سادگی می‌توانند مردم را بسیج کنند، توانایی اثربخشی عملیاتی دارند و دارای سابقه کار و مهارت در زمینه بزرگ‌نمایی منافع عمومی در راستای ارزش‌های ساختگی هستند. طرفداران رسمی‌سازی به وقایع دو دهه گذشته استناد می‌کنند. روندها مؤید آن است که رها

1. Dupuy & Vierucci, Ipid, p 30.

2. Formalization.

3. Self-regulation.

گذاشتن سازمان‌های غیردولتی در بستر خودتنظیمی، حقوق آنها را به تدریج کاهش داده، از کارایی آنها می‌کاهد. بی‌شک مقررات‌گذاری در این حوزه با هدف رسیدن به توافق عام‌الشمول دولت‌ها و در سطح اسنادی نظیر منشور برای تنظیم امور سازمان‌های غیردولتی امری ضروری است. اما نظام خودتنظیمی سازمان‌های غیردولتی خود را به مثابه ابزاری در حال تحول و توسعه نمایان می‌سازد. به ویژه دستورالعمل‌های خودتنظیم (اختیاری) به صورت فزاینده‌ای توسط سازمان‌های غیردولتی به منظور فراهم‌آوردن استانداردهایی برای عملکرد در زمینه‌های متمایز مورد تمسک قرار می‌گیرد.^۱

تقاضا برای ارتقای جایگاه سازمان‌های غیردولتی به طور روزافزون گسترش یافته است. هر چند توسعه ترتیبات ویژه و رویه‌های غیررسمی به صورت متراکم باعث مشارکت ناهمگون و پراکنده می‌شود و در پی آن جامعه‌ی ذی‌ربط دچار سردرگمی در تحقق اهداف خواهد شد. در موارد متعددی، سازمان‌ها و نهادهایی که دارای صلاحیت تکمیلی در جلب همکاری سازمان‌های غیردولتی بوده‌اند، موجب اختلال در برنامه‌ها و سیاست‌ها شده‌اند و همراهی جامعه‌ی مدنی مورد تهدید قرار گرفته است. این مشکل، به‌ویژه در نظام ملل متحد که از نظام مهندسی یکپارچه در آژانس‌های تخصصی، سازمان ملل و به صورت عام در نهادهای تصمیم‌گیرنده برخوردار است، کاملاً مشهود می‌باشد. برای نمونه، از آنجا که شرایط اعطای اعتبارنامه فاقد هماهنگی است، بعضاً مشاهده شده است که سازمان‌های غیردولتی دارای وضعیت مشورتی و فعال در زمینه‌ی موضوعات مهمی مانند غذا و سلامتی، از دسترسی به آژانس تخصصی مربوطه منع شده‌اند. یکی از دلایلی که مرتباً مورد استناد قرار گرفته، این است که سازمان‌های غیردولتی در فعالیت‌های مجمع عمومی حضور فعال دارند. مجمع باید در تصمیمات خود به گزارش‌های اکوسوک توجه نماید یا اینکه سیاست و برنامه‌ریزی برای کنفرانس‌هایی را که جامعه‌ی مدنی در آن نقش آفرین است، تنظیم نماید. در راستای دستیابی به

۱. دوپویی و ویروچی، *سازمان‌های غیردولتی در حقوق بین‌الملل*، ترجمه مجید بخشی‌گنجه، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، چاپ اول، ۱۳۹۲، ص ۱۸۵.

خواسته‌ها و شرایط مورد نظر دبیرخانه، تحقق روندهای اعتبارسنجی گوناگونی ضروری است. با وجود یک حجم وسیع و قابل توجه از رویه‌های گوناگون، سازمان‌های غیردولتی مایل به مشارکت در کنفرانس‌ها، اغلب با استانداردهای نابرابر و روش‌های گیج‌کننده مواجه می‌شوند.^۱ بر این اساس، هماهنگ‌نمودن نظام اعتبارات و مزایای مشارکت با هدف قانونمندسازی رسمی یک اقدام ضروری در راستای افزایش همراهی جامعه مدنی در فعالیت‌های سازمان بین‌المللی محسوب می‌شود. این همان اصلاحاتی است که اخیراً از سوی سازمان کشورهای آمریکایی نیز اعمال شد. مشارکت غیررسمی، آن هم در پهنه‌ای وسیع از فعالیت‌ها، شفافیت رفتاری سازمان بین‌المللی را مورد مخاطره قرار می‌دهد. هیئت عالی‌رتبه سازمان ملل که از سوی دبیر کل برای بررسی رابطه سازمان ملل و جامعه مدنی مأموریت یافته بود، نیز به این موضوع اشاره کردند. در گزارش دبیر کل آمده است: جامعه مدنی بسیار قدرتمند شده است و تقاضا برای توجیه وضعیت جدید و میزان نفوذ آن جدی است.^۲ بنابراین، شناخت نقش روزافزون جامعه مدنی در روند تصمیم‌سازی نیاز به روشن شدن جزئیات ارتباط آنها دارد. ضروری است، در خصوص مشروعیت و جوابگویی سازمان‌های غیردولتی دقت بیشتری اعمال شود. گزارش هیئت عالی‌رتبه تأکید دارد که کشورهای عضو از دبیرخانه انتظار دارند تا آن دسته از بازیگران جامعه مدنی در روندهای مربوط به سازمان ملل دخیل گردند که از حداقل استانداردهای حکومتی برخوردار بوده، اعتبار خود را اثبات نمایند.

۱.۶. تحقق جایگاه مشارکتی سازمان‌های غیردولتی

کارکرد مشورت با مشارکت در رویه متفاوت است. با وجود اینکه صدها سازمان غیردولتی در تهیه اسناد مربوط به تأسیس دادگاه کیفری بین‌المللی نقش داشتند، نمایندگان هیچ‌یک از آنان از حق هم‌ترازی با نمایندگان دولت‌ها برخوردار نشدند. بالاترین حقی که در اسناد بین‌المللی برای سازمان‌های غیردولتی به رسمیت شناخته شده، نظارت بدون حق رأی است. اما در الگوی مشارکتی اجازه حضور در

1. UN.DOC, 387: Para 139.

2. UN DOC 817,2005:Para16.

تصمیم‌گیری‌ها با اختیارات مطلوب هدف نهایی است. عملکرد شورای اروپا به عنوان پیش‌تاز در زمینه اعطای وضعیت مشارکتی حاکی از توجه اساسی به سازمان‌های غیردولتی مستقل به‌عنوان مؤلفه‌های حیاتی جامعه مدنی است. آنها آزادی بیان و تشکیل اجتماعات را تضمین می‌کنند. این دو، نقشی ویژه در تحقق دموکراسی دارند. شورای اروپا در راستای شناسایی تأثیر این سازمان‌ها، فرصتی فراهم نمود تا آنها بتوانند برای به دست آوردن وضعیت مشارکتی اقدام نمایند. این شورا در سال ۲۰۰۳ با در نظر گرفتن نقش فزاینده سازمان‌های غیردولتی، تصمیم به تغییر وضعیت مشورتی به وضعیت مشارکتی گرفت. کمیته وزیران در همان سال قطعنامه شماره (۸/۲۰۰۳) ناظر بر وضعیت مشارکتی سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی را تصویب نمود. در پی تصویب این قطعنامه، سازمان‌های غیردولتی دارای وضعیت مشورتی به صورت خودکار به وضعیت مشارکتی دست یافتند. وضعیت مشورتی به آن دسته از سازمان‌ها انتقال پیدا کرد که صلاحیت خاصی در سطح استاندارد اروپایی داشتند. از دیدگاه این شورا مقررات حاکم بر روابط شورای اروپا و سازمان‌های غیردولتی به طور حتم آنچنان رشد یافته تا بتواند به راستی منعکس‌کننده مشارکت فعال سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی در امور سازمانی و برنامه‌ریزی باشد.^۱ در حمایت از این نظریه، باید به رویه روبه‌رشد سطح همکاری حقوقی با سازمان‌های بین‌المللی استناد کنیم. عملکرد ارتباطی سازمان کشورهای آمریکایی^۲ و اکوسوک با توسل به مکانیزم‌های غیررسمی در واقع نشان‌دهنده همین جایگاه مشارکتی است. تعامل شورا با سازمان‌های غیردولتی به روش‌های گوناگون در جریان است. آنها مجازند تا برای دبیرکل یادداشت تفاهم تهیه نمایند. متن بیانیه‌های کتبی و شفاهی برای مجلس نمایندگان، کنگره محلی و مسئولین منطقه‌ای تهیه نمایند. آنها این امکان را دارند تا سمینارها و جلسات سازمان‌دهی شده از سوی شورای اروپا را اداره کنند. سازمان‌های برخوردار از وضعیت مشارکتی امکان حضور در کنفرانس سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی را خواهند داشت. این کنفرانس سالی چهار بار در استراسبورگ جلسه دارد. کنوانسیون اروپایی ناظر بر شناسایی شخصیت حقوقی سازمان‌های غیردولتی

1. EU.RES, 2003:NO. 8.

2. Organisation of American States.

بین‌المللی شرایط کلی برخورداری سازمان‌های غیردولتی از حقوق یکسان در کشورهای عضو شورا را بیان می‌دارد. بر طبق این کنوانسیون، ملاک اصلی برای تشخیص حقوق یک سازمان در سایر کشورهای عضو، حقوق اعطایی به سازمان در کشور مقرر است. البته دولت‌ها می‌توانند به بهانه منافع عمومی، برخی از محدودیت‌ها را اعمال نمایند. گزارش دبیر کنفرانس بررسی نقش و جایگاه سازمان‌های غیردولتی در شورای اروپا و همچنین سخنان دبیر کل وقت شورای اروپا در همین کنفرانس حاکی از مشارکت روزافزون سازمان‌های غیردولتی در عملکرد تمامی نهادهای وابسته به شورای اروپا می‌باشد. سازمان‌های غیردولتی ۹۰ بار در سال در رخدادهای برنامه‌ای شورای اروپا حضور می‌یابند.^۱

۲. کارکردهای سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی

سازمان‌های غیردولتی به دلیل عملکرد خود واجد برخی از جنبه‌های شخصیت حقوقی بین‌المللی شده‌اند.^۲ تا آنجا که سازمان‌هایی نظیر شورای خدمات دوستان، کمیته خدمات دوستان آمریکایی (۱۹۴۷)، لیگ سرخ جوامع صلیب سرخ کمیته صلیب سرخ (۱۹۶۳)، کمپین بین‌المللی برای منع مین‌های زمینی جودی ویلیامز (۱۹۹۷)، سازمان عفو بین‌الملل (۱۹۷۷)، پزشکان بین‌المللی برای پیشگیری از جنگ هسته‌ای (۱۹۸۵)، همایش دائمی جهانی در علوم و امور جهان (۱۹۹۵)، سازمان پزشکان بدون مرز (۱۹۹۹)،

1. Report of Warsaw Conference, Rurka:2019.

۲. دیوان بین‌المللی دادگستری در استدلال خود در رأی خسارات وارده به سازمان ملل برای احراز شخصیت حقوقی بین‌المللی سازمان ملل به عملکرد، اختیارات و توانایی این سازمان در اعمال و حراست از آن‌ها استناد می‌کند (ICJ report, 1949: 189). به عبارت دیگر، در نظر دیوان، اینکه سازمان ملل توسط دولت‌های عضو دارای صلاحیت‌های متعدد و متفاوتی شده است، از یک سو و داشتن توانایی به منصف ظهور رسانیدن این اختیارات از سوی دیگر، عوامل موجد شخصیت بین‌المللی برای این نهاد به حساب می‌آیند. بر اساس ملاک ارائه شده از سوی دیوان، در صورتی که یک موجودیت بتواند عملکرد موفق و مؤثری را از خود در عرصه‌های بین‌المللی به نمایش بگذارد، دارای یکی از عناصر برخورداری از شخصیت حقوقی است. اندیشمندان حقوقی نیز بر مبنای همین استدلال برای برخی از سازمان‌های غیردولتی همانند کمیته بین‌المللی صلیب سرخ و اینترپل شخصیت حقوقی بین‌المللی قائل شده‌اند. برای مطالعه بیشتر نک: قاسمی، غلامعلی و محمدصالح تسخیری، **شخصیت حقوقی بین‌المللی سازمان‌های غیردولتی**، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، دانشگاه علامه طباطبائی، شماره ۵۵، ۱۳۹۶.

مؤسسه حقوق بین‌الملل (۱۹۰۴)، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ (۱۹۱۷ و ۱۹۴۴) به دلیل نقش ممتاز خود جایزه نوبل دریافت کرده‌اند.^۱ این استدلال طرفداران زیادی دارد که سازمان‌های جامعه مدنی می‌توانند عملکرد سازمان ملل را شفاف‌تر کنند؛ زیرا آنها آگاهی عمومی از روند و سیاست‌های سازمان ملل را تقویت می‌کنند. علاوه بر این، سازمان‌های جامعه مدنی می‌توانند محیط سازمان ملل متحد را بیشتر مشورتی کنند، زیرا آنها اغلب به روند سیاست‌گذاری کمک می‌کنند. سازمان‌های جامعه مدنی می‌توانند همچنین اجرای سیاست‌های سازمان ملل متحد را ارزیابی کنند؛ زیرا آنها توان نظارت و ارزیابی بر اقدامات توافق شده و همچنین آگاه‌سازی ذی‌نفعان از عدم انطباق بین قواعد و اجرای آنها را دارند. آنها با انتقاد از سیاست‌ها و برنامه‌های ناموفق و همچنین آن هنگام که بیم از آسیب رساندن به مردم می‌رود، به اصلاح رفتار سازمان ملل متحد کمک می‌کنند.^۲ این بازیگران افکار عمومی را هدایت کرده، بر ملاحظات سیاسی اثر می‌گذارند و موضوعاتی را به تشخیص خود در دستور کار ملی یا بین‌المللی قرار می‌دهند و بدین ترتیب در روند تصمیم‌سازی و ایجاد نرم‌ها و قواعد جدید شرکت دارند.^۳ آنها همچنین بر اجرای قواعد نظارت می‌کنند. این نهادها به طور کلی در سطح ملی و بین‌المللی در امور جمع‌آوری، ارزیابی و انتقال اطلاعات؛ اقدامات حمایتی و وکالتی؛ ایجاد معیار از طریق ارائه پیشنهاد به دولت و یا سازمان بین‌المللی؛ آموزش، پژوهش و انجام مطالعات؛ جمع‌آوری و ارائه کمک‌های حقوقی و بشردوستانه؛ ایجاد تشریک مساعی؛ کارکرد روانی تبلیغاتی از طریق ستایش و محکومیت اخلاقی و ایفا نمودن نقش ناظر در خصوص تعهدات داخلی و بین‌المللی دولت مشارکت دارند.^۱ مطالعه کارکردهای

۱. ایاز، ابوطالب، *نقش سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی NGO در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی*،

تهران: انتشارات کتاب من یار مهربان، چاپ اول، ۱۳۹۵، ص ۸۱.

2. Martens, Kerstin (2011), Civil society and accountability of the United Nations, in: Scholte, Jan Aart (ed): *Building Global Democracy? Civil Society and Accountable Global Governance*, Cambridge University Press, p 43.

۳. عسگری، پوریا، *مناسبات سازمان ملل متحد و سازمان‌های غیردولتی در آیین تغییر*، مجله پژوهش‌های حقوقی، دوره ۸، ۱۳۸۸، شماره ۱۵، ص ۳۴۷.

۱. گلشن‌پژوه، محمودرضا، *راهنمای سازمان‌های غیردولتی*، تهران: مؤسسه مطالعات تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر چاپ دوم، ۱۳۸۶، ص ۱۲۹.

دو دهه اخیر سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی نشان‌دهنده آن است که آنها در موضوعات ذیل بیشتر درگیر بوده‌اند.

۲.۱. مشارکت در تدوین دستور کار بین‌المللی و تهیه پیش‌نویس اسناد حقوقی

در این نوع مشارکت، سازمان‌های غیردولتی به طور مستقل و فارغ از یک کنفرانس دیپلماتیک یا مذاکرات مقدماتی دولت‌ها، به دلیل موقعیت برجسته کارشناسی و علمی خود، متن قواعد و دستور کار بین‌المللی را تنظیم و منتشر می‌کنند. در واقع، با این اقدام، پیش‌نویس اسناد بین‌المللی از سوی یک سازمان بین‌المللی غیردولتی به جامعه بین‌المللی دولت‌ها و سازمان‌های بین‌الدولی پیشنهاد می‌شود و می‌تواند در مذاکرات دولت‌ها و کنفرانس‌های مربوط مورد استفاده قرار گیرد.^۱ نهادهایی مانند مؤسسه حقوق بین‌الملل، انجمن حقوق بین‌الملل، مؤسسه بین‌المللی حقوق بشردوستانه و کمیسیون بین‌المللی حقوقدانان ژنو تلاش زیادی در راستای تنظیم قواعد حقوقی، حل اختلاف در زمینه تفسیر یا اجرای قواعد، توسعه حقوق بین‌الملل، توسعه احترام به قواعد بین‌المللی، تنظیم قواعد جنگ، آموزش حقوق بشردوستانه و نظارت بر قواعد دادرسی انجام داده‌اند. حوزه فعالیت آنها شامل توسعه اقتصادی و اجتماعی، کمک‌رسانی در زمان سوانح و حوادث، حقوق بشر و کنترل نحوه اجرای کنوانسیون‌ها و قراردادهای بین‌المللی، مخصوصاً در حوزه تعهدات مربوط به خلع سلاح می‌شود. در این حوزه‌ها، علاوه بر اقدامات عملی مخصوصاً در حوزه کمک‌رسانی، تولید اطلاعات، آگاهی و گزارش‌های اثرگذار و شکل‌دادن به دستور کار بین‌المللی^۲ بسیار مهم است. در تمامی این حوزه‌ها، سازمان‌های غیردولتی عمده، با تولید فکر و ایده و نظارت بر موضوعات خاص، در واقع به دبگران می‌گویند که چگونه فکر کنند و این همان شکل‌دادن به دستور کار بین‌المللی و اثرگذاری بر روندهاست. حقوق بشر یکی از مهم‌ترین کارکردهای سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی در کشورهای مختلف است. این سازمان‌ها البته به دلیل اینکه بیشتر

۱. قاسمی، غلامعلی، *حقوق بین‌الملل سازمان‌های غیردولتی*، تهران: انتشارات خرسندی، چاپ اول، ۱۳۹۲، ص ۱۲۵.

2. Agenda Setting.

خاستگاه غربی دارند، تعریف خاصی از حقوق بشر را ارائه می‌دهند. با این همه می‌توان از ظرفیت چنین سازمان‌هایی استفاده کرد. جنبش‌های بین‌المللی محیط زیست که بیشتر در خصوص گازهای گلخانه‌ای، گرم شدن زمین، از بین رفتن جنگل‌ها و آلودگی دریاها و آب‌های بین‌المللی فعالیت دارند، در پی ارتقای اهمیت این موضوعات و تأثیر آنها بر همهٔ انسان‌ها و جلب توجه جهانی در خصوص آنهاست. برخی سازمان‌ها با کارویژهٔ بین‌المللی به دنبال تحقق خواسته‌های کشورهای فرهنگ‌های خود هستند. گسترش ارزش‌های لیبرال، مسائل اسلامی، تبلیغ برای مسیحیت و امثال اینها نمونه‌هایی از این نوع کارکرد است. حوزهٔ اخیر یکی از مهم‌ترین مواردی است که فعالیت در آن برای اکثریت کشورها دارای مزیت نسبی است و فعال شدن آن می‌تواند نتایج ملموس و حتمی در پی داشته باشد.

۲.۲. مشارکت در مقررات‌گذاری بین‌المللی

شکل‌های جدید مقررات‌گذاری موجب شده است تا نیاز به جلب همکاری بازیگران غیردولتی افزایش یابد. نهادهای سیاست‌گذار در سطح بین‌المللی همانند کمیسیون جهانی سدها، بنیاد جهانی مبارزه با ایدز و حتی پیمان‌های جهانی سازمان ملل از بدو فعالیت، سازمان‌های غیردولتی و دولت‌ها را با حقوقی برابر درگیر نمودند.^۱ در سال ۱۹۹۳ میلادی، در اجلاس وین، سازمان‌های غیردولتی با صدور اعلامیه‌ای خواستار تأسیس یک دادگاه برای رسیدگی به جنایات بین‌المللی شدند. هنگام تهیهٔ «اصول پیش‌نویس و چارچوب مربوط به جبران و پرداخت غرامت به قربانیان ناشی از نقض حقوق بشردوستانه»^۲ با پیشنهاد کمیسیون فرعی حقوق بشر، گزارشی مشتمل بر دیدگاه‌های دولت‌ها، سازمان‌های بین‌الدولی و سازمان‌های مردم‌نهاد تهیه گردید. سازمان ملل و کارشناسان دولتی اذعان نمودند که سازمان‌های مردم‌نهاد، مانند سازمان ویژهٔ جبران خسارت قربانیان در لندن (ردرس)،^۱ کمیسیون بین‌المللی حقوقدانان و اتحادیهٔ بین‌المللی

1. Bernstorff Jochen von (2007), Non-State Actors in law-making and in the shaping of policy On the legality and legitimacy of NGO participation in international law, Germany, p 5.

2. Draft Basic Principles and Guidelines on the Right to Remedy and Reparation for Victims of Violations of International Human Rights and Humanitarian Law.

1. Redress(a London-based association dedicated to reparation to victims).

حقوق بشر (FIDH)،^۱ کمک مشورتی مهمی برای تهیه سند مذکور بودند.^۲

۲.۳. حضور مؤثر در روند تحقق آرمان‌های حقوق بشری

آشکارترین محدودیت عمل سازمان‌های غیردولتی این است که دولت‌ها در محدوده قلمرو خود، یگانه نهاد اجراکننده کنوانسیون‌های بین‌المللی و حقوق بشر محسوب می‌شوند. البته بی‌شک سازمان‌های غیردولتی از طریق افکار عمومی و با ایجاد فشارهای گوناگون به طور مستقیم و غیرمستقیم از گروه‌های مهم ذی‌نفع در زمینه حقوق بشر به شمار می‌روند.^۳ بند هفتم اعلامیه پایانی اجلاس ۱۹۹۳ وین به کشورهای و سازمان‌های بین‌المللی توصیه نموده است که با همکاری با سازمان‌های غیردولتی، در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی، برای تضمین برخورداری کامل و مؤثر از حقوق بشر، شرایط مطلوب را فراهم آورند. در همین اعلامیه با زیرکی خاصی در بند ۲۵، ضمن اشاره به نقش سازمان‌های غیردولتی در آگاه‌سازی توده‌ها در امر حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، خطاب به دولت‌ها، مسئولیت ایجاد تحرک، تدوین اسناد مربوط به حقوق بشر و بذل مساعدت به سازمان‌های غیردولتی را از جمله وظایف آنها قلمداد می‌کند.^۴ از آن زمان شاهد توسعه الحاق به کنوانسیون‌های حقوق بشری هستیم. بسیاری از کشورها با ایجاد تغییر در قوانین داخلی خود موجبات تطبیق قوانین داخلی خود با مفاد کنوانسیون‌های حقوق بشری را فراهم نمودند. با ایجاد شورای حقوق بشر در سال ۲۰۰۵ بار دیگر بحث نظارت بر عملکرد دولت‌ها رونق یافت. با اینکه ارتقای سطح مسائل حقوق بشری می‌توانست مبدایی برای ارتقای نحوه تعامل جامعه مدنی با سازمان ملل تلقی گردد، این انتظار محقق نشد و ارتباطات سازمان ملل با سازمان‌های غیردولتی در حد قطعنامه شماره ۱۹۹۶/۳۱ باقی ماند.^۱

1. The International Federation for Human Rights.

2. Giorgou Irena, (2013), "State Involvement in the Perpetration of Enforced\ Disappearance and the Rome Statute", *Journal of International Criminal Justice 11*, Oxford University Press, p 1003.

۳. عبیری، ارمغان، *تاملی بر نقش سازمان‌های غیردولتی در دادرسی‌های بین‌المللی*، تهران: نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۹۳، ص ۱۴۴.

4. Vienna declaration on Human Rights.

1. Un Human Rights Council.

۲.۴. تولید هنجار و معیار کنوانسیون‌ی زیر نظر سازمان ملل متحد

انعقاد کنوانسیون‌های مختلف، تعیین ضوابط و معیارهایی مطابق با عملکرد مشترک اعضای ملل متحد در سطح جهانی را توسعه داد. برای نمونه، در بند دوم ماده ۲۲ کنوانسیون حقوق کودک، به طور مشخص از سازمان‌های غیردولتی به دلیل نقش مؤثر آنها در تسهیل انتقال کودکان پناهنده یاد شده است. این کنوانسیون مقرر داشته است که اعضا از طریق سازمان ملل متحد، تشکیلات وابسته به آن و همچنین با کمک دیگر سازمان‌های مناسب بین‌الدولی یا غیردولتی فعال در زمینه حمایت از کودک به منظور نگهداری و یاری کودک پناهنده تا الحاق او به بستگانش نهایت تلاش خود را بنمایند. کنوانسیون حقوق معلولان نیز مقرر داشته است، دولت‌ها چه در سطح داخلی و چه در سطح بین‌المللی درباره معلولان وظایفی دارند. طبق ماده ۲۹ این کنوانسیون، دولت‌ها موظف‌اند زمینه شرکت معلولان در سازمان‌های غیردولتی دخیل در زندگی آنها را فراهم نمایند. در ماده ۳۲، دولت‌های عضو موظف شده‌اند تا همکاری بین‌المللی در مسیر اتخاذ تصمیمات و اقدامات مناسب برای معلولان با مشارکت نهادهای بین‌المللی و جامعه مدنی را تقویت نمایند.^۱ نمونه دیگر کنوانسیون حمایت از ناپدیدشدگان اجباری است که حاصل چندین سال تلاش کمیسیون حقوق بشر و مجمع عمومی سازمان ملل است. در سال ۲۰۰۶ و بعد از تشکیل شورای حقوق بشر، چارچوب کنوانسیون این سند نهایی شد و در سال ۲۰۰۷ متن آن به تصویب مجمع رسید. از سال ۲۰۰۷ تاکنون، روند الحاق و تصویب این کنوانسیون از سوی کشورها بسیار کند بوده است. با مطالعه دقیق مفاهیم این مقاله‌نامه در راستای عمل و دخالت سازمان‌های جامعه مدنی، به خصوص در کسب اطلاعات از مراجع ملی و محلی برای خانواده‌های مفقود شده، ظرفیت بسیار بالایی حتی بالاتر از دولت‌ها برای سازمان‌های غیردولتی پیش‌بینی شده است. تا آنجا که نهادهای حقوق بشری غیردولتی در این خصوص نقش محوری را در بسیاری مواقع حتی فراتر از دولت‌ها داشته و توانمندی‌های خویش را در این زمینه به اثبات رسانده‌اند.^۱

۱. سپهر، حسین، **پیش به سوی کنوانسیون حقوق معلولان**، پژوهش‌نامه حقوق بشر، مرکز تحقیقات استراتژیک، ۱۳۸۶، ص ۷۶.
 ۱. گلشن‌پژوه، محمودرضا، پیشین، ص ۱۲۵.

۲.۵. تقویت صلح و میانجی‌گری در منازعات داخلی و بین‌المللی

نقش‌آفرینی بازیگران غیردولتی در فرایند صلح، به ویژه دیپلماسی پیشگیرانه و نهادینه‌سازی صلح، بر مبنای اندیشه‌ای شکل گرفته‌اند که اتکا بر قدرت دولت‌ها را برای تحقق صلح کافی نمی‌دانند.^۱ در این فرایند، سازمان‌های غیردولتی همانند کمیته بین‌المللی صلیب سرخ و پزشکان بدون مرز علاوه بر یافتن فرصت برای ملاقات افراد بازداشت شده یا زندانی، در ارائه راه‌حل برای پایان دادن به منازعات نیز نقش قابل توجهی را ایفا می‌نمایند.^۲ سازمان‌های غیردولتی آمریکایی و کوبایی در منازعات حقوق بشری دو کشور نقش فعالی داشته‌اند. این نهادها در قضیه کشمیر، هند و پاکستان طی سالیان متمادی، نهادهای مختلف سازمان ملل متحد را صحنه جدال بین خود کرده بودند. سازمان‌های غیردولتی قادرند به علت انعطاف‌پذیری بیشتر در منازعات سودمند باشند. نهادها، یعنی سازمان‌های دولتی یا سازمان‌های اطلاعاتی به دلیل ظرفیت محدود ناشی از وابستگی به دولت خاص از توانایی و ابزار لازم برای انجام فعالیت‌های میانجیگری برخوردار نباشند. سازمان‌های غیردولتی اغلب در روندهای واسطه‌ای رسمی گنجانده نشده‌اند. آنها معمولاً در یک فرایند میانجیگری به طور موازی همگام با جوامع مدنی و ذی‌نفعان اصلی مبادرت به اقدام می‌نمایند. آنها همچنین ممکن است زمینه‌های میانجیگری را برای سایر بازیگران آماده کنند. یک نمونه از مشارکت سازمان‌های غیردولتی در میانجیگری به سال‌های ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ و منازعات داخلی کنیا برمی‌گردد. نقش عمده در این میانجیگری را وکلای متخصص در سازمان‌های غیردولتی انجام دادند. این روند نشان داد که چگونه با ورود کوفی عنان، دبیر کل وقت سازمان ملل، و بهره‌بردن از بازیگران غیردولتی، بحرانی همانند انتخابات خونین کنیا قابل کنترل است.^۱

۱. غضنفری هنگامه، *سازمان‌های غیردولتی و فرآیند صلح بین‌المللی*، تهران: نشر میزان، چاپ اول،

۱۳۹۴، ص ۶۰

2. Detter Ingrid (2000), *The Law of War*, Cambridge University Press. Dupuy Pierre-Marie, Vierucci Luisa (2008), *NGOs in international law: efficiency in flexibility*, UK & USA, pp 372-374.

1. Baumann Jonas and Clayton Govinda, (2017), "Mediation in violent conflict", *Journal of the Center for Security Studies (CSS) at Zurich*, No 211, p 5.

۲.۶. توسعه هنجارهای بین‌المللی در زمینه حق و عدالت

با بررسی وقایعی که به تدریج در طی ۶۰ سال گذشته در روند مشارکت سازمان‌های غیردولتی در مسائل جهانی رخ داده است، به خوبی می‌توان این برداشت را در زمینه توسعه صلاحیت جهانی سازمان‌های مذکور رصد نمود. این مشارکت، به‌ویژه در زمینه ایجاد هنجارهای بین‌المللی، بخشی از یک سازوکار وسیع در راستای برقراری یک رویه جهان‌شمول با هدف بهبود هنجارها در مسیر عدالت تلقی می‌شود. برای نمونه، ما شاهد بهره‌برداری اتحادیه بین‌المللی حقوق بشر از یک گروه عملیاتی مقرراتی متشکل از حقوقدانان، دانشمندان، وکلا و متخصصان مسائل بین‌المللی و قوانین کیفری با هدف رسیدگی به پرونده‌ها در حضور دادگاه‌های ملی، دادگاه‌های کیفری بین‌المللی و یا دیوان کیفری بین‌المللی بوده‌ایم. دهه اول قرن حاضر صحنه بی‌نظیر بهبود سیستم عدالت بین‌المللی و حمایت‌های وسیع سازمان‌های غیردولتی از قربانیان نقض حقوق بشر در زمینه کمک مالی، حق داشتن وکیل، تنظیم و رسیدگی به شکایت بوده است. این بخش از عملکرد سازمان‌های غیردولتی آشکارا در روند شکل‌گیری اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی متبلور گردید. ماده ۱۵ اساسنامه دیوان بیان می‌دارد که سازمان‌های غیردولتی یک منبع اطلاعاتی قانونی هستند.^۱

۳. نگاهی به جایگاه سازمان‌های غیردولتی ایرانی نزد سازمان ملل متحد

برابر آمار مندرج در درگاه شورای اقتصادی اجتماعی سازمان ملل متحد، تعداد ۵۵ سازمان غیردولتی ایرانی دارای مقام مشورتی نزد سازمان ملل متحد هستند. ایران در بین همسایگان خود از نظر تعداد سازمان‌های غیردولتی دارای مقام مشورتی بعد از

۱. در بخشی از ماده ۱۵ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی آمده است: دادستان می‌تواند خود رأساً براساس اطلاعاتی که در مورد جنایات مشمول صلاحیت دیوان به دست می‌آورد، تحقیقات را آغاز نماید. دادستان باید درباره اهمیت اطلاعاتی که دریافت کرده است، بررسی و تحلیل نماید. بدین منظور، وی می‌تواند اطلاعات اضافی را از دولت‌ها، ارکان ملل متحد، سازمان‌های بین‌الدولی یا غیردولتی یا منابع معتبر دیگری که مناسب تشخیص می‌دهد، جستجو نماید و می‌تواند شهادت کتبی یا شفاهی در مقر دیوان دریافت نماید.

پاکستان با ۷۴ سازمان قرار می‌گیرد. نزدیک به ۲۰۰ سازمان که مقرر اصلی آنها در خارج است، در ایران فعال‌اند.^۱

سازمان حمایت از قربانیان خشونت قدیمی‌ترین سازمان غیردولتی ایرانی دارای مقام مشورتی است. این سازمان بیست سال است که دارای مقام مشورتی خاص با شورای اقتصادی اجتماعی ملل متحد است. سازمان مذکور فعالیت خود را در سال ۱۳۶۷ آغاز کرده است. عضویت در شبکه سازمان‌های غیردولتی برای تشکیل دیوان کیفری بین‌المللی، سازمان مبارزه بین‌المللی علیه سلاح‌های کوچک و سبک، کنفرانس سازمان‌های غیردولتی دارای مقام مشورتی با سازمان ملل متحد (کنگو)، جنبش بین‌المللی برای جهانی عادلانه (جاست)، شورای توانبخشی قربانیان شکنجه و شبکه جوانان آسیا از فعالیت‌های بین‌المللی این سازمان به‌شمار می‌رود.

1. search results on the UN site.

نتیجه‌گیری

با وجود ده‌ها سال تجربه در زمینه تثبیت روندهای دموکراتیک، مقاومت زیادی در برابر رشد و نمو جامعه مدنی حتی در بین کشورهای توسعه‌یافته اعمال می‌شود. اقدامات پیدا و پنهان دولت‌ها در تشکیل، هدایت و کنترل سازمان‌های غیردولتی به صورت روزافزون بیشتر شده است. ناتوانی دولت در اجرای مؤثر برنامه‌ها و انحراف از اهداف اصولی، بارها این حقیقت را اثبات نموده است که دولت در صحنه داخلی و بین‌المللی نیاز به کنترل مؤثر دارد. سیستم حاکم بر تشکیل و بقای دولت، اجازه تغییرات را یا نمی‌دهد و یا این امر با کندی صورت می‌گیرد. بر این اساس، وجود مجموعه جامعه مدنی که در رأس آن سازمان‌های غیردولتی قرار دارند، موجب رشد و پویایی سازوکار اجرایی دولت در سطح ملی و بین‌المللی می‌گردد. کارکردهای سازمان‌های غیردولتی در زمینه‌های مختلف بشردوستانه، حقوق بشر، محیط زیست و هنجارسازی بین‌المللی، ضرورت بازبینی و تطبیق مقررات ناظر بر همکاری آنها با سازمان ملل متحد را تأکید می‌نماید. ناکارآمدی دولت به عنوان تابع بنیادین حقوق بین‌الملل موجب شده که تعیین حوزه نفوذ بازیگران جدید همواره در کانون توجه حقوق دانان و سیاست‌مداران قرار گیرد. سازوکار ناظر بر همکاری سازمان‌های غیردولتی با سازمان ملل متحد، اعم از جایگاه مشورتی مستفاد از ماده ۷۱ منشور، قطعنامه ۱۹۹۶/۳۱ و کمیته سازمان‌های غیردولتی، همچون بسیاری از ترتیبات ملل متحد نیاز به بازنگری دارد. انتظار این بود که قطعنامه ۱۹۹۶/۳۱ بتواند نیازهای جامعه مدنی را پوشش داده، همکاری بین سازمان ملل و سازمان‌های غیردولتی را گسترش دهد. تعیین معیارها و ضوابط جدید بیش از آنکه وزنه جوامع مدنی را سنگین کند، بر اختیارات دولت‌های عضو کمیته سازمان‌های غیردولتی افزوده است. افزون بر اینکه ابهامات موجود در معیارها و ضوابط تعیین شده در قطعنامه موجب شده است تا برداشت‌های متنوع در بین اعضای کمیته بروز نموده، در نتیجه این روند، محدودیت‌های جدیدی برای بسیاری از سازمان‌های جامعه مدنی ایجاد شود. گزارش‌های سالیانه کمیته سازمان‌های غیردولتی اکوسوک نشان می‌دهد که دسترسی سازمان‌های غیردولتی به ارکان ملل متحد با تمسک به انگیزه‌های امنیتی، سیاسی و اداری از دهه ۹۰ به طور روزافزون محدودتر شده است. اکثر حقوق دانان به هنگام بحث

در مورد اصلاح سازوکار ملل متحد به موضوع اصلاح ماده ۷۱ منشور ورود نداشته‌اند. این دانشمندان بر ضرورت انجام اصلاحات در قطعنامه ۱۹۹۶/۳۱ به‌ویژه اصلاح ساختار کمیته سازمان‌های غیردولتی تأکید دارند. ترتیبات موجود موجب شده است که تعداد روزافزونی از سازمان‌های بین‌المللی ترتیبات جدیدی را برای ایجاد ارتباط با سازمان‌های غیردولتی تصویب و اجرا می‌نمایند. ترتیباتی که موجب شده است که یکسانی رفتار سازمان ملل و سایر سازمان‌های بین‌المللی مورد مخاطره قرار گیرد. سازمان‌های غیردولتی نقش‌هایی فراتر از وضعیت مشورتی را در عرصه سیاست و حکمرانی جهان بازی می‌کنند. آنها شبکه‌های گوناگونی را احداث و راهبری می‌نمایند، به جمع‌آوری و تحلیل اطلاعات می‌پردازند و گهگاه دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی را برای نیل به اهداف خود تحت فشار قرار می‌دهند. آنها افکار عمومی را هدایت می‌کنند، بر ملاحظات سیاسی اثر می‌گذارند و موضوعاتی را به تشخیص خود در دستور کار ملی یا بین‌المللی قرار می‌دهند و بدین ترتیب در پروسه تصمیم‌سازی و ایجاد هنجارها و مقررات جدید بین‌المللی مشارکت دارند. آنها فراتر از این بر اجرای قواعد نظارت می‌کنند. نقش غیررسمی سازمان‌های غیردولتی گسترش یافته است. مجمع عمومی و شورای امنیت بیش از پیش از مشورت با این سازمان‌ها بهره می‌برند. در حالی که برابر اسناد ملل متحد، مشورت با این بازیگران مختص اکوسوک است. برخی از نهادهای بین‌المللی مانند شورای اروپا و سازمان کشورهای آمریکایی، سالیان طولانی است که از الگوی وضعیت مشارکتی به جای وضعیت مشورتی استفاده می‌کنند. در الگوی مشارکتی داشتن حق رأی و داشتن نماینده هم‌تراز برای سازمان‌های غیردولتی پیش‌بینی شده است. دو حقی که می‌توان گفت گمشده‌های سازمان‌های غیردولتی در وضعیت مشورتی به حساب می‌آیند.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

کتاب

۱. ایاز، ابوطالب، *نقش سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی NGO در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی*، تهران: انتشارات کتاب من یار مهربان، چاپ اول، ۱۳۹۵.
۲. بیگ‌زاده، ابراهیم، *حقوق سازمان‌های بین‌المللی*، تهران: نشر مجد، چاپ سوم، ۱۳۹۴.
۳. دوپویی و ویروچی، *سازمان‌های غیردولتی در حقوق بین‌الملل*، ترجمه مجید بخشی‌گنجه، موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، چاپ اول، ۱۳۹۲.
۴. عبیری، ارمغان، *تاملی بر نقش سازمان‌های غیردولتی در دادرسی‌های بین‌المللی*، تهران: نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۹۳.
۵. غضنفری هنگامه، *سازمان‌های غیردولتی و فرآیند صلح بین‌المللی*، تهران: نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۹۴.
۶. قاسمی، غلامعلی، *حقوق بین‌الملل سازمان‌های غیردولتی*، تهران: انتشارات خرسندی، چاپ اول، ۱۳۹۲.
۷. گلشن‌پژوه، محمودرضا، *راهنمای سازمان‌های غیردولتی*، تهران: موسسه مطالعات تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر چاپ دوم، ۱۳۸۶.

مقاله

۸. زمانی، سید قاسم، *ماهیت حقوقی داعش در حقوق بین‌الملل: دولت یا بازیگر غیردولتی*، فصلنامه دولت‌پژوهی، سال اول، شماره ۱، ۱۳۹۴.
۹. سپهر، حسین، *پیش به سوی کنوانسیون حقوق معلولان*، پژوهش‌نامه حقوق بشر، مرکز تحقیقات استراتژیک، ۱۳۸۶.

۱۰. عسگری، پوریا، *مناسبات سازمان ملل متحد و سازمان‌های غیردولتی در آیین تغییر*، مجله پژوهش‌های حقوقی، دوره ۸، ۱۳۸۸، شماره ۱۵.
۱۱. قاسمی، غلامعلی و محمدصالح تسخیری، *شخصیت حقوقی بین‌المللی سازمان‌های غیردولتی*، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی دانشگاه علامه طباطبائی، سال نوزدهم، ۱۳۹۶، شماره ۵۵.

ب) منابع انگلیسی

Books

12. Baylis John, Smith Steve & Owens Patricia (2008), *The Globalization of World Politics*, Oxford University Press.
13. Bendell Jem (2006), *Debating NGO Accountability*, UN Non-Governmental Liaison (NGLS), New York.
14. Bernstorff Jochen von (2007), *Non-State Actors in law-making and in the shaping of policy On the legality and legitimacy of NGO participation in international law*, Germany.
15. Bonseok Koo, Bryan (2011), *Successful Models of Non-Governmental Organizations in Consultative Status: Best Practices on Climate Change*, The DESA NGO Branch, UN, New York.
16. Detter Ingrid (2000), *The Law of War*, Cambridge University Press. Dupuy Pierre-Marie, Vierucci Luisa (2008), *NGOs in international law: efficiency in flexibility*, UK & USA.
17. Haral Ben-Ari, Rephael (2013), *The Legal Status of International Non Governmental Organizations: analysis of past and present initiatives (1912-2012)*", Netherlands.
18. Lindblom Anna-Karin (2005), *Non Governmental Organizations in International Law*, Cambridge University Press.
19. Martens, Kerstin (2011), *Civil society and accountability of the United Nations*, in: Scholte, Jan Aart (ed): *Building Global Democracy? Civil Society and Accountable Global Governance*, Cambridge University Press.
20. Szazi Eduardo (2012), *Ngos: Legitimate Subjects Of International Law*, Leiden University Press, The Netherlands.

21. Symank, Rouven(2017), *A Global Crackdown on Civil Society: Assessing the accreditation Practice of the United Nations Committee on NGOs*, The DESA NGO Branch, UN, New York.
22. Willetts Peter (2000), *From consultative arrangements to partnership: the changing status of NGOs in diplomacy*, The UN Global Governance, Vo.6.
23. Willetts, Peter(1996), *The Conscience of the World – The Influence of Non-Governmental Organisations in the UN System*, London.

Articles

24. Baumann Jonas and Clayton Govinda, (2017), “Mediation in violent conflict”, *Journal of the Center for Security Studies (CSS) at Zurich*, No 211.
25. Gemmill, Barbara and Bamidele-Izu, Abimbola (2007), "The Role of NGOs and Civil Society in Global Environmental Governance", *Journal of global environmental governance*.
26. Giorgou Irena, (2013), “State Involvement in the Perpetration of Enforced\ Disappearance and the Rome Statute”, *Journal of International Criminal Justice 11*, Oxford University Press.
27. Vromen Simone (2017), “The Council Committee on NGOs: An analysis of the reports of the Council Committee on NGOs between 2005 and 2015”, *Journal of Utrecht Law Review*, Vol. 13, No.1, Netherlands.

Documents

28. Amnesty international handbook 2002, available at: <https://www.amnesty.org/download/Documents/120000/org200012002en.pdf>.
29. NGO Branch - Department of Economic and Social Affairs(2020) available at: <https://esango.un.org/civilsociety/login.do>.
30. Resolution Res(2003)8, **Participatory status for international non-governmental organizations with the Council of Europe**, available at: https://wcd.coe.int/View_Doc.jsp?id=88953&Site=CM.
31. **Reort of Warsaw Conference on the role and position of NGOs in the Council of Europe** (2019) available at: <https://rm.coe.int/anna-rurka-speech-warsaw-conference-on-the-role-and-position-of-ngos-i/168093af01>.

32. **Speech of Secretary General of council of Eruope in Warsaw Conference on the role and position of NGOs in the Council of Europe**, (2019) available at:
<https://www.coe.int/en/web/secretary-general/-/warsaw-conference-on-the-role-and-position-of-ngos>.
33. **Survey of Civil Society, 2003, UN and Civil Society Relationship – Questionnaire on NGO Opinion – background paper for the Cardoso panel**, available at: <http://www.un-ngls.org/orf/UNreform.htm>.
34. The Preamble of the Resolution Res(2003)8, **Participatory status for international non- governmental organizations with the Council of Europe**, adopted by the CoE Committee of Ministers on 19 November 2003.
35. UN DOC. A/CONF.151/26/Rev.1(1992), **Report of the United Nations Conference in Environment and Development**, available at:<http://www.un.org/documents/ga/conf151/aconf15126-4.htm>.
36. UN Doc A/57/387,2002, **Strengthening of the United Nations: an agenda for further change**, report of the Secretary General ,available at: <http://daccess-dds-ny.un.org/doc/UNDOC/GEN/N02/583/26/PDF/N0258326.pdf/>.
37. UN Doc.A/58/817, 2004, **We the people: civil society, the United Nations and global governance**, Panel of Eminent Persons on United Nations-Civil Society Relations,availableat:
<http://daccess-dds-ny.un.org/doc/UNDOC/GEN/N04/376/41/>.